

اخبار داخلی

نمایندگان ایران در انجمن سائق السیکو

به ازاستنای آقای انتظام وزارت خارجه ازطرف آقای بهست وزیر مجددا بوسیله تلگراف از آقای تنی زاده هانما هه که دربارت هیئت امراسی را قبول کتته ایشان بمنظر کسالت مملکت خواسته انه لدا آقای بهست وزیر از انای ملامتلفا کرده ایشان هم بملت کماله مزاج طفر خواسته سپس آقای بهست وزیر به آقای مستشار الموله صادق مزاجه نودونه ایشان هم بهمان علت خود داری کرده . از قرار معلوم دولت در نظر دارد آقای البیار صالح و انو غیران سببه هرا نامرد ایستارنایه عزیمت یا هم ریکا

آقای منصور السلطنه عمل وزیر دادگستری باقیان آقای دکتر قاسم زاده اسدالله سنگه و مشاور حقوقی وزارت امور خارجه برای شرکت در لوانجین واشکنگن از قلعه مرئی سیمت امریکا حرکت کرده .

هریانی آقای سلیر کبیر مصر بحضور ملوکانه

هرسب وانی کتتین بنده بود ساعت با ده صبح ۱۶ فروردین آقای محمود ثابت باقا سلیر کبیر امپراطر پادشاه مصر که نارگی زبهران وارد شده بحضور امپراطر حهابوی هرئیانی حاصل نودونه .

ساعت ۱۰ بعد از ظهر بی آقای سلیر کبیر در کاخ مرمر حضور بهسرمانیده و دفتر علیابضرت ملکه فرودا بهولوی را امضا نودونه

درئیس کل شهرزانی

آقای سرتیپ ضرابی رئیس دیوان تجدید نظر قضای بریاست اداره کل شهرزانی منصوب و مشغول کاو شده انه

رئیس باشگاه افسران

آقای سرتیپ محمد باقر امیر نظامی بریاست باشگاه افسران منصوب و آقای سرتیپ صالح رئیس باشگاه مزبور ستاد ارتش منتقل شده انه

حرکت استنادار تبریز به تهران

آقای دادور اسفندیار تبریز از تبریز بیست تهران حرکت کرده .

انتصابات وزارت پیشه و هنر

آقای مهندس احمد ملیک زاده بریاست کارخانه های هیرگه آقای مهندس ابوالحسن قریب بریاست کارخانه روغن کشی درآین آقای مهندس سز آزاد پور بیست نه هنس قیسی و مشاور تنی کارخانه های نساجی منصوب شده انه

انتریم بازرسی فرهنگ

چون ازوضع کار ادارات و آموزشگاه های ولایات بمصر و سایر شهرها کورگه وضعیت اطلاع صحیح بدست بود در نظر گرفته شد بیست هر از بازرسانه عالی مقام وزارت فرهنگ با اختیارات کامل بفرستاده اعزام فرهنگنا از طرز کار و جریان ادارات و معارس و سوابق تحصیلی دانش آموزان بازرسی نوده و در رلع اولیای اقدام لازم پسلی آوریده و برای اجرائی این منظور آقایان ذیل انتخاب و بزودی مجوزهای ماموریت خود حرکت می نمایند .

- ۱- آقای کاظم تنفی بازرسی عالی زرداری . گردستان هه ان .
- ملاط . گروس . گلیابنگان .
- ۲- آقای احمد آرام بازرسی عالی زرداری . اصفهان عباسی . مکران . بزرگمان .
- ۳- آقای مرتضی مقدس . قزوین . گلران ملان زهره شپسوار . کرگان .

در مجلس شورای ملی

پس از چند روز تعطیل رسمی چه و پس از چند روز تعطیل ساختگی بالاخره روز چهاردهم فروردین ماه اولین جلسه مجلس شورای ملی در سال نو تشکیل شد و امضا برای آغاز جلسات سال نوبتلی نایش خوبی داده . نمونه ای از روح و حجت و عسکاری و وطنیان و اضداد بی کدیگر و این جلسه نمایان شد و ملت باین مجلس حقیقه (۱) امیدوار شد

تایید نشست آراء در مجلس و اختلافات داخلی برسر دولت بود ولی بعد از اتمام امسال در سایه جدیت نمایندگان این نشست در مجلس و برروری مسائل اعلی مجلس هم شروع شد .

شنبه ۱۴ فروردین

در جلسه ۱۴ فروردین در مجلس بیست و هفتم هیئت رئیسه مجلس تجدید خود گویا چند روزی هم که مجلس در تشکیل جلسات خود تاخیر کرده بود برای این بود که تهیه انتصابات هیئت رئیسه را آقایان نمایندگان دستاره و در بین خود حل کتته و بدون اینک عکس - الملها و تضاهراتی در خارج داشته باشد قول و قرارها را در بین یکدیگر رد و بدل نایسته و صورت ظاهر تشریفاتی در روز ۱۴ فروردین در مجلس انجام شود

شنبه ۱۸ فروردین

ابتدا آقایان اولادان و وزیر اداری لایحه درفش خالصه جات را تقدیم نوده سپس مجلس به انتخاب چهار نفر اعضای پرداخت .

در وقت در وقت اول آقایان : صادقی باقری ، شاهی باقری ، و آقای حاج آکبریت شده .

در انتخاب نوبت دوم چون اکثریتی برای دومین دیکسر حاصل نشد مجددا انتصابات فروروز آقایان جواهر مسعودی طوسی با اکثریت نسبی : آقای جواد مسعودی ۴۴ رای ، آقای طوسی ۲۷ رای انتخاب شدند .

پس از تعیین مشرا با انتخاب دو نفر کارپرداز شروع شد در وقت اول اکثریت حاصل شده و چون یکساعت و نیم از ظهر گذشته بود جلسه تعطیل گردید

یکشنبه ۱۹ فروردین

انتخاب کار پردازان مجلس موضوع دستور بود آقایان : نسیمی با اکثریت ۵۸ رای مشرتا ۵۶ رای و انصاری ۵۳ رای . مست کار پرداز مجلس انتخاب شدند .

پس از دستور آقای رحیبیان نماینده فوجان طوسی تقاضی توجه دولت را بوشخ غرمان و مخصوصا سید توجان جلب کرده پس از ایشان آقای سید عباسی را مع طرح های موجوده و لوائح اظهاراتی نوده و مجلس مقارن ظهر بملت نهادن اکثریت ختم شد .

آقای ستمده بر محسوب داشتن سه رای طریاطی مطلق برای آقای سید محمد صادق طریاطی منقر بوده اظهار داشته که در مجلس در نظر طریاطیایی دیگر هم هست و معلوم نیست این سعرا می هم مشلق به آقای سید محمد صادق طریاطی باشد بهر حال چون نایب رئیس مجلس

- ۷- آقای حسن ذوقی - سبزواری - خراسان - بیرجند - ستان .
- دانشان - همدان .
- ۸- آقای غلامحسین مصاحب بازرسی وزاری . قم . ساره .
- اراک . و برورد گرم آباد خوزستان - آبادان .

- ۵- آقای هس آوری . ساغان . فارس . بوهدر
- ۵- آقای فیروزات . زبجان . استان سوم و چهارم
- ۶- آقای علی اکبر میران . کرمانشاه . مدارس ایرانین
- در بین اهرین .

وضع وقت انگیز بهداشت کودکان در ایران

یپه از صفا
 یپه یک جامه محتاج بدلیل وبرهان بیست
 هفتاد باید گفت هسناطوریکه باینه
 همن و تنالی اروپائیان اول از بهسود
 و زندگان کودکان آغاز کرده است
 هسناطور هم واضح و آشکار است که
 هائل مهم بدینتر ایران و عقب ماندگی
 ایرانیان نهن مهمی است که در برستاری
 و تربیت کودکن ایران مشاهده میشود .
 شسا یپه یکه کودک اروپائی را
 یا کودک ایرانی هسال او مقابله نماید
 باانکه نامری خواهد بود که تفاوت
 از زمین تا آسمان است در حالیکه اولی
 دشخاری سرخ رنگ - مزاجی قوی -
 چشمانی شاداب و جادار - روحی بازی
 و بیکسار دارا بوده و خلاصه از قیافه و
 شکلش آثار زندگی شمدید و خلاصه
 بهس چیز زندگی تراش مینماید . . .
 دو عوض دومی چهره زرد قام - مزاجی
 دنجور رنگسای همراکزیز و بیبوت دانه
 بیازی و خوشی طلافه شان نیده گناه
 گرینان و لالان و گناه ساکت و خواب
 آلود میباشد .

وزارت بهداری معمول نوده اندک ، اگر
 این وزارتخانه بواسطه سازمان هریس و
 طویل و بر سئل مصل خود نتواند یپه
 قسطنتهای بهدایت کشور رسیدگی نماید
 لا اقل قسمت اعظم بوجه خود را برای
 جلوگیری از بهار بوی مسری و واگیر
 بهصرف برساند .
 اما در قسمت بهدایت
 خانوادگی باید اذمان نوده که کودک
 ایرانی از نهن روز تولد نامکسای که
 بعد با یوغ برسد اگر بر سه - روی
 اصول فطری پار میآید و هنوز هم در
 غالب خانوادگی ایران بیستم عهد عین
 برستاری کودکان که هیچکرت باینه
 و بیجری نداد مسریم و معمول است
 . . اینجاست که روز همن بسون مادران
 و بانوان مطرف میشود زیرا آنها
 هسته که مسئول تربیت و پرورش
 افراد خود میباشد - آنها هسته که
 بیست با آشنای خواهد بهدایت برستاری
 صحیح کودکان از هر گونه کوشش در
 این راه خودداری نمایند و جایی آنک
 در صده تقیله بوش و آرایش زسان
 اروپائی بسر آینه از طرز یاد آوردن
 کودکان آنها سر مستقیم بگیرند که هم
 دارای بجه های فتنه و سالم و با روح
 پروده و هم آینه همین خود را ناین
 کرده باشند . . . در واقع آنان که
 به آینه ایران و به ترسرتی فرزندان
 ایران ملانند هسته بیایستی در وهله
 اول بهدایت شک و تردیدشان را -
 اصلاح نمایند و تربیت همنک کوشش
 بوجه و توانائی خود را در این راه صرف
 کند زیرا این کار بیست که صد در صد نتیجه
 مثبت میدهد واه هه لآن بوشن بود و
 اصول و قوانین که بر تربیت باینه و تقیفات
 دانشمندان مکترف شامعت جای آنه
 داشتند .
 از روی همین نظرات است که اینجانب
 بنا به دعوت مدیر محترم نامه کوهستان بر
 آن ش که از نتیجه مشاهدات خود در
 پرورشگاههای سوسی و بانک آنها در ا که
 برای استنده شوند که از راه بطرز
 چرا باید سرانوشت کودکان ایران
 آچنان حزن انگیز و ولات ساز باشد ؛
 شکریست که در حال مهم مندر لیدایش
 این وضعیت میباشد ؛ بکن بهدایت همگان
 و دیگر بهدایت خانوادگی
 ناین بهدایت همگانی را بپوده

اخبار خارجه

در جبهه باختر

اوشتمای مارشال و تسکری بهویست و جبهه کیانومری خاور
 ون و میانه راه بین رود ساد و برلن وسیده اند .
 از طرف دیگر تومر بویست و جبهه کیانومری ۲۵۰ کیلومتری خاور
 رسیده و ارتش ایم امریکای از وصول نطقه ای در شانزده کیلومتری خاور
 بطرف برنرولیک متوجه گردیده و ایکه در ۳۰ کیلومتری این شهر
 میباشد .
 در سر جبهه ارتش همن امریکا ۷۵۰ کیلومتری نورمبرگ
 رسیده .

جبهه غربه

ارتش چهاردهم ییزر گرتین بهرودی در بیکار بره نال شده .
 ژاپنها کلا شکست خورده و هزیت اختیار کردند و برای
 آنکه باقیباده فرای خود را جابت دهند از تاربیگی ش استفاده
 نوده و بسوی جنوب و خاور فرار کرده و در کوهپای های منفی
 شده .

جنگ دریائی در اقیانوس آرام

یک جنگ دریائی بزرگی در اقیانوس آرام بوقوع بسته
 و هده بسیاری از کشتی های جنگی ژاپن در این بیکار شرکت
 داشته .
 ظاهر آ خیال ژاپنها اقدام بدیلات تهامی بود زیرا نیروی
 دریائی آنها کلا مرکب از کشتیهای تدری بود .
 علاوه دریا سالار یعنی مشر بر آنست که طی جنگی که در
 منطقه او کینا و بوقوع بیسته شش کشتی جنگی ژاپنها که بکسی
 از آنها کشتی بزرگ از نوع امانو بود غرق گردیده اند .
 سربک بهویست ژاپنی نیز سرنگون گردیده اند .
 تلفات امریکاییها بسیار از سه تاو شکن و هفت هوا پیم
 بوده است .

جبهه خاور

اداره اطلاعات شوروی واضح بدیلات همن آوردن توضیحاتی
 داده ا هشار میدارد که نیروهای جبهه چهارم او کرانی در کوه های
 کلابت در شمال باختری روزابریک متجاوز از سی نقطه را که هفت
 نای آنها فوق العاده مهم میباشد تصرف نوده اند .
 نیروهای جبهه دوم او کرانی هم در شمال باختری و شمال
 براتیبلاوا حالات خود را تقیبه نوده شهر نو مستو و بجهه نقطه
 دیکرا را که بازده نای آنها مهم میباشد تصرف شده اند لشکر پیاده
 نظامی بیست و چهارم محارستانی از تمام اسلحه و ساوروی خود و
 سرهنگ فرمانده رشادتی تسلیم کرده .

در منطقه وین نیروهای جبهه سوم او کرانی حالات خود را
 تقیبه نوده هم نزدیک بر سر سوزگرا کوشش نوریک را تصرف کرده اند
 نیروهای ما در شمال باختری وین و پود د داوب رسیده و در قسمت
 جنوبی بایهت ارتش در دینا گروچه و خیابانها شروع بزد و خوره
 نوده اند . از طرفی هم در جنوب باختری دریایه پالان نیروهای
 ما باغلی و واحدهای ارتش باغریتن بیکسار کان پیشرفته غیر ه
 اینستگاه راه آهن کا کوا و ونک شور بدیکرا تصرف شده اند .

کشور اتحاد جماهیر شوروی

قزداک یظرفی خود را بازاپن

لغو کرد

گرد و گردستان

گردستان عبارت از اماکن است که در آن زمانهای پیش از تاریخ با جامه ها آمده و در آنجا پاره ای گشته شده سکونت کرده اند.

جدود گردستان

یعنی مرز سکونت گاه طوایف گرد که اکنون هم در آنجاها سکونت دارند از این قرار است:

از طرف شمال - اورمستان از طرف مشرق آذربایجان و عراق ایران یعنی عراق (همه) و خوزستان که سلسله جبال زاگرس در این قسمت واقع است از طرف جنوب گردان عرب (یعنی پاپلستان) از طرف غرب و درون فرات و ولایات آسیای صغیر. هیداسستولی در کتاب (تزمه القلوب) نوشته که مرز گردستان در سابق شهر (پهار) بوده تقریباً هشت مایل شمال مدین پسر از آن به (سلطان آباد) چچال نزدیک کوه (پهستان) یعنی سینون انتقال یافته و ولایات ازم و جزیر جنوبی گردستان در امتداد اربیل و آمله هم جزو ولایت جزیره بوده اند.

بر طبق این روایت در قرن هشتم هجری گردستان عبارت بوده از شانزده آبادی ذیل: ۱ - آلانی ۲ - لشتر ۳ - بیاز ۴ - غلخانی ۵ - دونه ۶ - خاوخ نامون ۷ - دونه زنگی ۸ - داربل و وزیربل ۹ - سلطان آباد چچال ۱۰ - هیزرو ۱۱ - کرماشه ۱۲ - گرنه و خندان ۱۳ - کنگاور ۱۴ - سعیدت ۱۵ - ورتام ۱۶ - سینون

در اسکیتوبندی اسلام نوشته - گردستان اراضی مستطیلی است که مستطیع حومی آن از جنوب شرقی (ایرستان) به طرف شمال غربی ملایطه امتداد یافته است. قسمت شرق (مادستان) را ترک کرده است و بر سرهای طرفین تحقیقات صمیمه اضافه بر قسمت ۱۰ استان منطقه لرستان و سه اردلان و قسمت جنوبی غربی - آذربایجان و غوی و سلساس و اردوبه و ماکو و سرکری هم جزو گردستان ایران هستند.

گردستان در دامنه جنوبی (مهدیه) - اورمستان واقع شده که ارتفاع آن کم کم هم فشان میگذرد تا که در دوشت پهلوانترین چنگی ارتفاع نابود می شود تا بر این ارتفاع جبال گردستان بطور کلی از ارتفاع جبال اورمستان خیلی کمتر است چنانچه کوه (بل چیه) یعنی چول چینه که رود (قرزلوردان) یعنی سفید رود از آنجا سر چشمه میگیرد منتنی درجه ارتفاع آن ۴۰۰۰ متر است و ارتفاع کرده (کل خان) واقع در دین - سنز و پاه (۲۳۵۰ متر است و ارتفاع کوه (ساردین) واقع در دین دجله و فرات

گردستان غربی (۱۱۰۰) متر است. در صورتیکه ارتفاع آن از اوست - منجاول از ۵۰۰۰ متر است. کوه میدانلر و جبال منار هم از کوههای گردستان است و در جنوب این جوامع سرعاه و بیابانهای بنادر امتداد یافته تا حدود الجزیره منتنی می شود.

طوایف اصلی گرد - بر طبق مدارک تاریخی و آثار مذکور مشکوه گروه گرد بنو قسمت تقسیم بیخه بکنست گرد مانی هستند که از جمله اوزرسان پیش از میلاد مسیح تاکنون همیشه خود را گرد میسر می کرده اند و مورخین خارج و داخله یزدان ها را با یزدان ذکر کرده اند.

قسمت دیگر - گرد های هستند که اخیراً و در قرن نهم پیش از میلاد خود را (ماد) نامیده اند و مورخین هم آنها را با یزدان (ماد) ذکر کرده اند قسمت اوله همان گرد های هستند که از طرف ارارات یعنی کوه (کوردی) که آرا جبل جنوبی گویند آمده اند و در امتداد دجله و فرات غربی تا حدود هرهاط و سواحل دریای مهرب مدینه و هرهاط تا خلیج فارس و سواحل دریای عمان بر آنکه شده اند و منظومه (زاگرس) جزو این قسمت است قسمت دوم - گرد های هستند که از طرف آسیای صغلی بیست با ساحت یعنی خاور ایران آمده اند و از آنجا هم جنوب دریای (آسکون) که حالا پسر خزر یا دریای مازندران گویند آمده و تا منطقه آذربایجان و نواحی امپهان و اربابان و لرستان پراکنده شده اند و این کوه ها بنادر و شاخه ها سده جد آنها (مادایان) یا (میهان) گفته اند (پوار مدی) که در پهلان بال و بین انهرین دو نهایه منطقه است و استقام با آجر و آبرسانت هده منسوب باین قسمت است - (طوایف اسبله) قسمت دوم یعنی اگرد گراد غرب که مشهور بطوایف منظومه (آگروس) هستند - از این قرارند: ۱ - لو او ۲ - کوی ۳ - کامو ۴ - سوارو.

طوایف اسبله قسمت دوم هم از این قرارند: ۱ - ما ۲ - نایر ۳ - کاره رود این همه طایفه طوایف اسبله گروه گرد اند که به طوایف قره به هم از آنها هستند هده و هر طایفه قره به هم منسوب به چند تیره هده اند که هده آنها متجاوز از هفتصد تیره است و شرح حال هر را در دو کتاب خود (تاریخ مردوخ) مرقعه نوشته ام. چورمور خلاصه آن تیره بل اینکه گروه گرد و پیشرفت شوکت و مقصد کثرت ایران و تشدید بیابانی است در این سامان یکی از نواحی هاله بوده اند. در دین یوز، فلما و امرا کرده و در قراوم و معارف و بسط

دیانت اسلامی و توسعه نفوذ و ابتداء دولت ایران، سابق شایان توجه دارند - و در پی طوایف دولت عباسی. گروه (گرد) برای بیشترت اسلام. گرد و دیوبل مؤثره در فارس و عراق بوده اند. فانه کبیر و موسس دولت (آل عباس) همنی (ابومسلم) خراسانی که یکی از وجال نامی گرد خراسان بوده، و در مو در اواسط قرن دوم هجری ظهور کرده، و منصور (ابوجعفر) امر بقتل او داده است. ابو دلانه، غلام حیثی منصور در هنگام قتل او کوفت است - اما مجرم ما غیر اوست، ملی عده نین بیکره الهامی دولت انصوری خوارت فدر اتلان اهل اندر آذربایک بوده اند. اما مجرم خویشی القتل فاشه. عتیک با خونخیزی افساده او رده.

تشکیل دولت عباسی و ضمهت کثرت ایران را بکل تیره داده و ایران را از اجمال (اختنان) در آورده. که شوکت و اقتدار از دست رفته را دوباره بدست آورده، و دو گنار رود (زاب) شگفتناهی نادیده و پهلوانه را تلافی کردند.

(ویلام موری) انگلیسی و (دوری) موخ معروف میتوبه که ایران در زمان خلفای بنی عباس دوباره شوکت و احترامات از کف داده خود را بکند آورد و مناسب و مغالطه بهمه دباری را اصلاح نمودند و جشن تکرود و فراره در این دوره تجدید یافت گروه گرد در کبیه علوی بر سر ریاضی دارای تالیفات مفیده اند کیور گوردز و گرگین و بهرام چوبین و فرهاد - هچرین لقب شخرو پرویز و حسین کرد و اشل آنها از سرداران نامی گرد بوده اند که شوکت و اقتدار و سلطنت کرده و پارس از بر تو (گرز و شمشیر) آنها حراست شده است همایلت بیرون شده (احده) بن مروان کرد نصرالموه مؤسس امارت کرده و سرورایه و دامتسلطان صلاح الدین گرد بانی دولت کردیه ایروپ و رشادت های تاریخی و اکید اراعی (گریبنان) بانی دولت کرده در نطق و اقدامات افراد اخیده در هله و مبعاهدات آل خورخیده در لرستان و ارواح دیاله آل بویه در هیزداز و بنفاد که اوران تاریخ گرا و آفات. مارا اچهار، مینده که بگوربیه گروه گرد در تشدید بیابانی اسلام و بسط توسعه منارف و شوکت و مقصد دولت ایران. یک رکن رکین و یک عامل مؤثر متین بوده اند.

از نویسندگان گرامی تقاضا میشود مقالاتی را که برای درج در نامه کوهستان ارسال میدارند طوری باشد که از دستمون کوچک روزنامه تجاوز نشاید.

آگهی ضرورات

تاریخ ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۲ آذای محوید بیه بشناسنامه شماره ۲۰۷۸۱ طبق تقاضای شماره ۲۰۴۷ موخ ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۳ - باستاند یکبرکت گراهانامه و روزنامه خنشانامه تقاضای گراهانامه حصر و ارائه نشود همین توضیح که مرحوم حاج میرزا احمد بیگ زار در نامه شماره ۲۰۷۸۸ در تاریخ ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۲ متونی و دران چاپک هینگی خود وقت بانه و میانه است و بیوان فاطمه بیگ زار بشناسنامه شماره ۲۰۷۹۴ بصورت بیگ زار شناسنامه شماره ۲۰۷۹۰ و زهرار هودی بشناسنامه شماره ۲۰۷۹۵ در خنشانامه سرورب متونالی عامی یکبار در روزنامه کثرت شاهنشاهی و یکی از روزنامه های سرگز آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و بدون منعصر میباید پس از هزیند گواهی گراهانامه است اگر کسی وسیله نامه از متونی دارد. وقت مزبور ابراز و الا حصر است نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

کوسه و ویش پهن

بجار با دابل و متغان و مدمگ مادرو توفت های خود نظری جز سادات هم پنهان ندارند اما متغیران سسی میکبیب و میگوشتیم که شزارا شانند کینم اما اگر هبا به سادات نمی خوردن باشی این دیگر امری است

چگونه ممکن است این مراسلات معلول و ناز آوری را که هم شوربهای فنا از دست ما مورین مالیات بردارند می نویسنه که واتهامه اسناد را ما ناریکند و پیداست که حقیقت است نادیده گرفت چگونه ممکن است آن کافه های وا که مرتباً میرسد و نویسنده گان با نهایت جدیت درخواست می کنند درج کنیم و نام آنها را به صراحت بنویسیم حمل بر دودغ کرد یک مرض دورنفرش ده مرض تمام مردم را که یکبار بیسته برای تریج بردارند و کافه بنویسنه آمانبندو گفت همه اینها دودغ میگویند هه، هرشنه هه، بهواهنه جانی رئیس دارائی و مامورین مصلب را بیکرند ؟

در مقابل تمام اینها که با خنده از گردن دهدهای ام مینویسنه رئیس دارائی آدم خوبی است ؟

السوس که مراسلات واره و فکاوت زیاد است و مصلحت نامه کوهستان هم کوچک والا ههوا درج میگردیم والا خواننده گان میخوانندم خود قضاوت کنند و این معنی «کوسه» و ویش پهن» را حل کنند.

در میان شکایات شده که از نظر اول تست مالیات بردارند ستنه جانداره روزنامه رسیده در این هفته تکلیفاتی هم بانهای هدهای واصل شده که تذکره ما را در شماره اول نامه کوهستان به اینکته در بیس دارائی اگر نادرست است شودوا را تصحیح کند و اگر درستکار است الا اجماعات و اخذی های زیر دستان خود جلوگیری کند هاری از حقیقت بنده است بودند اگر چه تکسکرافقه ری مشکوک بنش رسد و از مفاد آن و مقایسه تاریخ وصول اولین شماره نامه کوهستان تاریخ مغایره تکلفاتی که پیش از پانزده روز فاصله داشت چنین استنباط میشد که برای بانها رسانیدن آن وقت زیادی صرف شده و این تست چندان قابل بحث نیست چیزی که تذکرش لازم است این است که اگر مامورین بچانه نظر الزامات الحکیم مقام خود شرفی قرار گیرد و حالیکه دیگران را در آستان ظلم خود حالیانده دلیل نبینود که گفت روزنامه و فلان از او و ازشی ههسته آدم خوبی است بلکه پایه عادلانه قضاوت نمود.

از موصی که مانم دودسه گرفتیم و یا انتشار نامه کوهستان خوشیم خدمتی را که به آب و خاک اجدادمان خود میبینیم انجام دهم تصحیح کرتیم حیوون بنش را کنار بگذریم قضاوت نکنیم مگر قضاوت عادلانه از کسی طرهنهاری نکنیم و سکرین، و بسکی حمله نکنیم مگر

ماه غسل

- - -

پس از احوالی جیس سکتور ما در هم فکسه گفت ، ما یا حال که من وضیعت خود را برای تو شرح دادم ، ما هم تو هم شرح بختی از زندگی ما ، خود را برای من با گوئی . من متعجبمم آیا بواسطه اوجه ای به سکتور آری وضیعت خود را برای شرح دهم یا نه ؟ جواب پیش خود فکر کردم ممکن است محبت و گفتگویی از قبیل همان وضیعت را که با تو فراموش نموده ام برای پیش آوردن زاین دو گفتن من برساند شاید از این خوشبو و بیرو مادم و هر وضیعت من حتی دوستی هم از ذکر برای خود اختیار کرده ام جیس از این حرف چشمش از خوشحالی بر تازده گفت : آه چه سرشود شومی ، هر دو یکسره هستیم خداوند به ما و با هم دوست ما به یکدیگر نزدیک شوم . اما من احساس کردم که جیس را آخورد که باید دوست ندارم و هر چه می کردم خود را راضی بدانم از تو با او کنم ممکن است از این جهت خواستش آوری به جواب گفتی .

آزورد بدین سوال گذشت روز بده برای ما در هم جیس مرا سلطان مرد خواست گفت : من فردا الکترونم در را برای تو خواهم آورد ، این مرا بر اثر از پیش در فکر امانت دیکه هم آجا نبوده با او دوستی کنیم علاوه بنویسنه بیون اطلاع بدو مادم بخود اجازه دهم بهادرت چنین کار نشایم . در این فکر و خیال مصر سرتزل بر کشتم یعنی روی سیز بمانت که پدرم بین نوشته بود با عیله سر آقا باز کرده چنین خوانتم :

ملیا عزیزم هر چه زودتر مرا بخت کن که مادوت هست مرتب است و کسی نیست که از تو جدا کند هر روز وضیعت من پیش بدر می شود منتظر مرا بخت خوشتم . پدر تو

از طرفی خبر بسیاری مادرم می ناپهه گسالت دوشی دو من ایجاد کرد ولی از طرفی خوشحال بودم که بدین نامه به خوانم از دست جیس خلاص شوم . اینتا شود را جمع کرده هالز بهرام خود دهم . هسگاسبیه سرتزل رسیده وضیعت منزل را دیگر گرن یافتن سرعت هر چه تمامتری بطرف اطاق مادرم دویدم . در را باز کردم پدرم را روی سندل زیدیک تخت مادرم غرق دو در باری فکر کردم من خود را حاضر تخت مادرم برسانم پدرم او را در باز امان گرفته بوسه چینی از پیشانی او میزدانتم .

مادرم از دیدن من خای خوشحال شد و با تبسم شیرینی گفت چه خوب شد که زود آمی . چند روزی از ورود من بشهر خود گذشت یک روز خبر شریفم در برزنت آمده است . طرف دوت دانت آقا باز کردم دیم جیس دم در بسته ایستاده با چهره ای رنگ براری و ایسک لژان من گفت بیرون دودغ گندی که پدر و مادر ندیده ام در جواب گفتم آقا جیس خواهش میکنم مسرا فرموش کنی و از دودغی که بخدا گفته ام بگذرد خواهش میکنم جیس در سالیبه عمارت انک از گوشه چشماش سرتزل بر بیو آنت ، آه سلیبا تو بیگانه شمس هستی که زنگانی من ندون تو محال است های دست لژان مرا سرتزل و سگاز زانوهایم از برخورد به سنگ های شیبانی من جرح کرده بیست مرا از خود مران و درخواست مرا بپذیرد . مرا تا آنه مهربون منت نشونشال . بدون اینکه گدانت او کترین اثر دو من گه درت را برویش بسته داخل حیاط قدم انکار جیبی در من ایجاد شده بود گدانی بگر زو ز اقدام هنگامی جیس دو نظرم محسوس میشد زمانی که عمارت و عمارت لژان هار هسگاس آن دو مرد را جاری چشم بود و جسم میگردولی ..

ولی هیچکدام برای من واجب نبود و از طبیعت میبایست که پدرم که چنین وان دورد جدائی افتاده تنها فکر من این بود که بایه با کس ازدواج کنم که قلبم از روی حقیقت او را بسنه کند . خلاصه چند روزی انکار منو هه این فکرها بود تا روزیکه روی تاجهوب خود خوابیده و آینه خود را در رص میگردم با کدورت اطمینان باز شد دیکه دوست من وارد گشت .

مشاهده دیکه مرد غرق در سرت و خوشحالی کرد و حس کردم که آن همان کسی است که من او را از صبیبه قلب دوست داشتم و جز او کسی دیگر را اینجورام دیدگان دیکه بیز گواه بود که ملاقات من سرت زبانی در وی ایجاد کرده است از اجوام بریدی باز مبروشت خود را برایش شرح داده و پیشانی و ادانت خود را از معادرت با دو مرد ترونته پستی ژرژ و جیس برایش بیان کردم . دیکه از اظهارات من بی اندازه خوشحال شده بدون اشتیاق مراد را آغوش کشیده بوسه های چنه از گونه هایم گرفت و گفت :

ساعات و نیکبختی من شروع شده سلیبا تو هم خود را

برای ماه غسل آماده کن .

نگاهی را که کشاورزان باید توجه نمایند

- بچه از صافه و
- ۱- خاکستر - خاکستر چوب هوه منقبه خوبی دارد ولی ناله مواد از سه است برای باطانی که احتیاج زیادی باز دارد. بهترین ماده هسته در روغن است طوره که در اغلب نقاط سرموست آنلافا آبان با کود حیوانی یا انسانی نتیجه خوبی میدهد.
 - ۲- کود انسانی - باید پس از خروج از چاه فوراً زیرین داده شود - کود انسانی برای غله و سبب زمین میدیستنه و برعکس دوزراحت خنتر-کام-شاهدانه کتب - توژن از آن میتوان استفاده کرد.
 - ۳- فضله طیور - فضله طیور نیز کود خوبی بوده و در پیش از اقاط ایران بقدرس در اسفهان از آن استفاده شایان میشود.
 - ۴- مواد زائنه - از قبیل لبن عوش هکاک و کازرده - علف هرزه و خشکیده - کاه - استخوان - پر - پشم - لاشه حیوانات - میوه های کفیده - خون و امثال آنها برای تهیه کود باید مورد استفاده واقع نشوند - این مواد با میتون قبلا پرشاده و شن تهیه کود مصنوعی که در ایران میکند بصورت کود قابل جذب درآورد.
 - ۵- کود مصنوعی - چنانچه کود حیوانی که در دره تهیه میشود کافی نباشد این کار باید کودهای تهیه کرد و روزانه هر مقدار مواد زائنه و برگیای درختان چوغلنای پلاطنی که تهیه میشود در آن ورشد.
 - ۶- مویلهای بیشتر ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر که نوع سبب یک طبقه بیشتر ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر بهتر است و این بیشتر و مرغی با ادرار آنها آبیاری کرده درختان سوزوز تمیز شروع خواهد شد سپس مویلهای بگری مثل مژه اولی اضافه میکنند بهتر است که هر مرتبه کود مصنوعی را با پاشانده اگر مواد ازلیله کاه باشد پس از ۱۵ تا ۲۰ روز یک دفعه باشد پس از ۳۰ تا ۴۰ روز تغییر خانه میاید برای آنکه تغیر خوب انجام خورد باید ادرار و بین در صورت امکان مقداری کربنات دو شو (مردود) و گوایر برای مسخر کردن به کود اضافه کرد.
 - ۷- ادرار بطوری که فوفاهاوه که ادرار حیوانات معنوی مواد مغذیه زیادی است - مناسبانه در هات ما درختان ساختمان مخصوص آغل ها و طوطیها بکلی ادرار را تلف هدر رانندادهای از آن بی فرد از این جهت نکتهای که قابل تذکر میباشد موضوع نگهداری است - استفاده از ادرار حیوانات است - برای این منظور باید کت آغلهای و طوطی و غله قابل نفوذ

حکایتها وارده گتیب و انگرائی بسیاری از همسرانها رسیده اکثر بسیار مامل است از آنجا که ما میفرمایم حتی القهوه که معالی را که خوانندگان ماخواهست بسع اولیای امور برسد درج نسایم و از طرفی هم صفحات نامه کوهستان کوک است از هم - خواننده گان تقاضا وارده شد تا مطالب را که میبایست در روزنامه درج شود مختصر تر مرقوم داره زیرا با تارا کم مقالات و کتیر حکایات وارده ما داریم از اکثر مکاتب وارده علامه ای استخراج نموده چاپ گتیب و در این حال منکن است کاسی گتیب را که مورد توجه بوستنه است از رقم بیاتنه برای جلوگیری از این بیهوده پهرین راه همان است که خود بوستندگان محترم با اختیار بپردازند.

تلگراف استقر

تلگرافی از سنر باضای عهده ابرسیده که از بشدار آتجا اظهار رضایت وارده شد تا تانها سوده اند که نظر به اهمیت و وسعت این منطقه پرتراشیت این است که دولت سنر را همانطور که سابقا هم بوده در تکلیفات کشور شهرستان-موجب داره.

تلگراف از سنندج

تلگرافی از سنندج رسیده اول مرز عمل رفش ک بخش کلای دخیانی اظهار رضایت نموده اند - تلگراف نامبرده باضای عهده زیادی مفایره همدست.

تلگراف استقر

آقای زلفوری تلگرافا تقاضای وسیدی که توجه بوخت خود نموده اظهار میدارد تیر و اناتیه و غیره را برای سوخت واسطیل و گاراز را برای فرار که و متذاری کاه مورد نیازندش را برای علیت قست سورا تجا مصرف کرده و با وجود مستورانی که داده شده توجبی بهسارات وارده اند نشده و هنوز وضع مراحت نشده است.

بقیه اخبار داخله

رسیدگی بامور فرهنگی و ایران خطابه
آقای سید علی امیر دهبلی از طرف وزارت فرهنگ برای رسیدگی بامور فرهنگی و ایراد خطابه های مفتضی مأمور کردن استان و مهاباد و استان سوم همدانه.

حرکت دانشجویان اعزامی پهنه
دسته اول دانشجویان ایرانی که قرار بود در هندوستان مقبول تحصیل هنر از ایران حرکت کردند این دانشجویان از جانب محمودتوری - جلال تاراج - سی کوشان بوسف نزاری و بزین باسی هسته و چهار نفر اول درورنه کاندوزی و نفر آخر در جنگل شناسی تحصیل خواهند کرد.

ایجاد باشگاه

انجنی روابط ایران و امریکا اقدام باشگاهی بنام باشگاه ایران و امریکا کرده است.

عزتت بامریکا

آقای سی زاهدی که از کارمندان پاساچه وزارت دارایی هسته و اخیرا ریاست کل کوشش بانک کاندوزی و پیشتر ادراری داره بوده برای باره مطالعات بانکی بامریکا حریت نموده.

که اول بگروه پس از اندک مدتی کنار خواهند رفت. امیدوارم این پیشنهاد دوستانه ما حل بر سر راهی از گی شده و موجب نگرده بلکه پیشتر انگلورا متوجه اصلاحات اساسی نموده و بهانه که کردستان باید آباد گردد - کردستانیان باید شن شوند در آسایش و راحت بزین بار از پارلمان و جوستگری باید برینده شود. نظریات دیگر خردو در شماره های بعد خواهیم نگاشت.

حزب عدالت شعبه کردستان

بنیة اصلاحیه
هسا میفرمایند فرماندهان بدهان بروه و حال زار مردم بیچاره بدبخت آنرا ببیند تا شاید دوسه قطره اشک انثار این بیچارگان بکنند.
هسا میفرمایند دریک هومر مردی شهرداری فریاد گورنای جیز دیگری بران بپاژده
هسا میفرمایند عرصه دار قاچاقین با شروح اجناس جلوگیری کند
اینها در حال حاضر خارج از قوه و قدرت آنهاست است که هسا اظهار کار از حق داریه تا موفیکه استنبرت مردم کردستان و در دوچه اول شهر نشینان نگرهان با زایدقت و تا موفیکه اینان بفرود حقوقی قابل رضایت و تا چنین ترس و تا دومرد حکمرا ما باشد با کمال تاسف باید ازاعمال کردگاری پیشتر نتوانه کرد.
هسا که بتصرف داده ایپ باید کردستان اصلاح قوه هسا که مه اذینت گروهان از قضاوت بسیار مستعدت و مردمانش در عین قنوقیادگی از هوش و ذکاوت بی بهره نیستند سعی کنیند انگار روشنی در مردم و خدعه بد سعی کنیند آنها را وسوسا بدهانند از بد بگویند که این راهنماییها هسا با اغراض شخصی تمام باشد زیرا اگر این مسئله مهم بود نظر گرفته نموده نتهاا حرب وجهیستر و صورت قوه ابر گرفت بلکه آنها هم

نگاراف

مجلس شورای ملی - رونوشت وزارت جنگ و رونوشت آقای صدر قاضی رونوشت نامه کوهستان. حسن قاضی پور که حال پنجراه هر از تومان دواب وکالی، صرغی سلطانیان از سردست بود در چهار ماه قبل بود و ایش شهنشاهی دوسر دست، فرمانده لشکر کردستان نامبرده را بدون تحقیق و تهمیر فوری دستگیر و زندانی و ۱۳ داس مال را زیر مهره کتیده و تا حال در حدود بیکهزار و پانصد تومان معارج چهارماهه مالها را حسن خرازی سر دشتی برداشته و بکنایه گزافه مال هم برداشته اند بطور اطلاع واصله هشت راس مالها تلف و تو گر که نیز منقود شده مکرو بیقنات مربوطه شاکو دستور لازم از طرف مقامات مربوطه دایر برقع توقف در حسن و مالها صادر گردیده روی فرمانده لشکر کردستان ایضا ترتیب اثر داده سهولت نامبرده را و زندان کردستان اعزام داشته متنی است استرحاما رسیدگی فرموده دسورتیکه حسن مقصر است بر نهاده او را بداد گاه اساله والا باغراض شخصی در این دوره دستکاری این بیچاره جرابیون جبهه زندانی بانه و معطلی سلطانیان ۱۸۸ طر حاله و بیاج کلی بدستکاری چرا بدیعت کرده. عدم اهالی مهابادستانی رستم و سرترازان خسارت وارده زمینهای

شانی - شریفی - صدیقی - حیدری - رحمانی - تادوی - حیدر بلوریان - ابراهیمی - محمد املانی - عقالی - رحیم نظامی - شریف زیدی - یوسایان - فلورالیاس - هاشمی - حیدری - کریم فرهادی - ولژی زاده - عزیز زبیدی - رحمن ولژی زاده - فلور ابراهیمی - محمد دادوی - عبدالله شریفی - حبیب دادوی - خضری - لطیفی - حسن فلاخی - معده خرازی - محمد صفی - حسن زبیری.

۴ متنوع اداره فرمانداری و سایر ادارات است گواهی صدای قسم دشمنان.

طبق امریه ۱۴۲۹۲ تاریخ ۱۳۲۷/۱۱/۲۲ هیئت ولیران قهوهی بست پخشده رز آب و تواج - صوب و در این وقت که هفده ماه تمام میگردد نسبتها قوتی باین بقیه پرداخت نشده بلکه کلیه مکانهای و اگر برآمده ای کردستان و هیئت دولت تقدیم داشته ام بپلواب مانده است.

بدیعت این است که نسبتا در قبال این خدمات قلدادی - فی قوه و بطرفان رسیدگی کینکنه از اول اسفند ۲۳ هم تا به حال بی دریغی مراسلات تهدید آمیز و پراخ قهر و غضب از فرمانده لشکر متنوع بدیعی و هشت هزار نفوس بیچاره راضل شده که بکلی سلب امیدواری از اذهانت جانشانند. جوابیست و تئیر رژیم شده است.

دو این کوهستان اورامان هفت و کثرت برف و بیارندگی قلدوی و اهالی تابع توهم حاصل نبوده و از مسول مراسلات و تهدیدات مسامورین بسا جابل و اطلسال و اسوال - اشتم بان کوهها و اطراف برا کنه اغلب در دوزخ برف بیلاکت و آخرین خسارتها دیده ایم.

اینکه با نهایت بریشانی باستان مبارکت منوئل و هخامنشی رسیدگی دقیق و تائید آسایش خود را از مقام عالی داریم.

چنانچه نفویان راجعه بست از جبران منظور غیرمانند سزاوار نیست چنی عالی مانده، دهن ما ح و ایران و کله و زنده کی قربان باز نفوده و هرونی تولید اشکالی بر اربابن بنایند و بیست مشت غلات منهن پرست و نه کار را از اذهانت و مرامهم دولت متبوعه شود حاصلی نداینده.

باینکه دارای همه گزانه اطلاعات و قبال اجرای همه گزانه خدمات هستن از ینکات آسایشها و ارجاع ماموریتها و توفیق کثور معروم و آرزوئنت جان و مالمان هم شده اند دوخته اسپهوار که در رسیدگی جرایشان توجه مخصوصی میدول فرموده و چنانکه از افراد این کشور نسیب امریه ای بنام آقای سادر فرماید که هر یک بیعظایان خارج پانصدته شده و سکوئت حاصل ننایم.

مو کول به اصرعالی است - و ریس حشایر اورامان رذاب حسن زبانی

آیا دولت بشکایات مردم رسیدگی خواهد کرد؟

هرس که ذیلا از نظر خوانندگان میگردد متذکره شکایت فعالی است که یکی از روسای متاخر آتانی حسن زبانی آقای وزیر مشاور نوشته تماشاکرده مامم درج ننایم.

از تاریخ ۱۳۰۵ که مرحوم سرانشکر طرطیاسی سروبان شریف فرما شده اند. قلدوران اهالی متبوعه بدون هیچگونه تردید تسلیم و بیرون نظامی و سایر ادارات را بربزاب آورده و با ابراز شهامت و خندنگداری بیرونی نظامی را طلوبت نموده و در جنگهای مختلف از قلداری خودداری نمودیم.

پس از تائید مناطق و سرگردانها در موزامامورین وقتلی بطور اخذ ترقیمات خود رسو، استفاده نمودن رفویان راعم با متشرین قلداه و نهنگام دستگیری روسای متاخر جوش خیران خدمات شخص بنده و با مرحوم حسین خان ابوی و جیدخان و صدخان و اسدبیک و مسودبیک و مرحل آقا و جمعی دیگر از متبوعه من مربوطه بزندندان مکرزی اجرام و دروغ بای قلدوران خانه و در اهالی و اولادک و اتباع مارا تحت فشار قرار داده درانه مدت با کلاه سازهای گوناگون کلیدار از دست و زنده کی ساقط و هفترا اهم از اموال و احشام و غیره از آتانی گرفته جس و در تدارک و مهمی نیز از گرسنگی بیلاکت رسانیدند. خود قلدوران هم که در زندان گرفتار بودیم و بپربادمان توجهی ننموده و بجای رسیدگی اکثر - بخصوص معارج هم واصل میته دستورالعمل آن را با تهدید و اجبرای اعمال شده از دستورالعمل میگرفتند.

پس از بازده سال حبس، در پیشگاه شه بویور ۱۳۲۰ تنظیمند و مسودبیک جان از اذعان ببردیده و بقیه دوزندان قلدای مقاصد و اغراض رسو، استفاده مامورین گشتند.

با هفت توجه بحد هرح بالا که بکشفده از جوهر ظلم و اهالی بکنجیزی مامورین است، ما بویورین لفظی هم چشم بپشتی جان و مال و ناموس مردم داشته ایم.

از تاریخ پرتی آمده شهریور ۳۲۰ همان اسرائانی که دوامک ۲۳ مردیاد در موانع آسایش اصلاح بقول خون خوردن و ببردن اموال و همتی و عیال و فرزندین شوار و یاد و تهمیجات سر بازارن بیچاره بودند و فقط در تهیه نجات و جمع آوری ثروت و مکنت میگویند و در موقتی که سستی حاصل شده بود قسمت ها و مدهای خود را در سرخوشی سامت - معاضقت نکرده چنی در متاخره بشورا از گرسنگی و قسوتی را با کینه کشدن از بین بردند لفظ آتانی سرهنگ راستی با چینه غری از افسران و افراد نیمجانی را به رذاب معیاضده و با این که تریه رذاب بر روی دستگیرکنی ایشان از طرف متاخره شده بود ایشان و اتباع قلدوی با وجود تمام ظلم و سوری که این چند سال تحمل کرده بودند از قلداری خودداری ننموده پس از بکوفته رفت خود با معاسر کینه گان ایشان را صحیح و سالم با وجود اهالی که با خود داشته تا قهرستنجه بفرقه نمودند.

بند این واقعه قلدوی نیز بدمل وارد و منطقه را برباز اهلوا و خورش بیاض منصفه بر صاحب رعایا متفرق و متواری و هرج و مرج سکندریا بود.

در این موانع هم حثق و عان مرزا و ادادر کرد که بیا هم کسر خدمت بستند و از این بطنه سر برشتی کنیم.

مدت سه سال بدون هیچگونه تراجعه بدیگران سلطنت این منطقه را عموم دار بودم فقط با مامورینی که در دستم بودند شکایات و ارتباط مشکلی داشته و بکلیت گزارهات خود را در دفتر تراشکر